

تأثیر علم نحو در استنباط حکم شرعی

امیر حسین عفتی (ایران)؛ مجتبی عفتی (ایران)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

چکیده:

قرآن و روایات به زبان عربی می باشد و شناخت قواعد زبان عربی نقش حیاتی در فهم و اجتهاد از آیات و روایات دارد و علم نحو به عنوان قسمت اعظم قواعد زبان عربی کاربردی اساسی در استنباط احکام دارد تا جاییکه برخی از اختلافات فقهاء در استنباطاتشان، ناشی از اختلاف در استدلال به علم نحو است در این تحقیق سعی شده با اشاره به این مهم و اشاره به مواضع فتح و کسر آن مشدده بررسی شده و تفاوت آن مشخص شود و یا ذکر مثالهایی از آیات قرآن کریم اهمیت نقش این شناخت مشخص شود این تحقیق به صورت کتابخانه ای می باشد

کلمات کلیدی: علم نحو، استنباط، حکم شرعی

مقدمه :

قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام به زبان عربی می باشد و یکی از منابع مهم فقه و اجتهاد می باشد و فهم دقیق و درست از آیات و روایات مبتنی بر شناخت دقیق قواعد زبان عربی می باشد و علم نحو به عنوان قسمت اعظم قواعد زبان عربی کاربردی اساسی در استنباط احکام دارد تا جاییکه برخی از اختلافات فقهاء در استنباطاتشان، ناشی از اختلاف در استدلال به علم نحو است و قرآن که عمده عامل وحدت در بین امت اسلامی است مستمسک تفرقه

و تشکیک نشود؛ با توجه به اهمیت پدیده اعراب در برداشتهای مختلف از متن مقدس قرآن کریم، میزان توجه فقهاء به بعضی از اختلافات حاصل از این برداشتهای متفاوت، بررسی شده است. مثلاً علامه حلی در شرایط مجتهد به عالم بوده به علم نحو اشاره دارد: و لا بدّ أن یکون عالماً بشرائط الحدّ و البرهان و النحو و اللغة و التصریف، و یعلم الناسخ و المنسوخ و أحوال الرجال (علامه حلی، ص ۲۴۳) و آیت الله مکارم هم به اهمیت علم نحو در فقهات اشاره دارند: هذا بخلاف ملكة الاجتهاد لأنها إنّما يتوقف علی جملة من المبادئ و العلوم كالنحو و الصرف و غیرهما، (مکارم شیرازی ص ۵۳۵)

تاثیر علم نحو در استنباط حکم شرعی:

الف- ضرورت پژوهش در علم نحو در استنباط حکم شرعی

علم نحو علمی است که به واسطه آن احوال اواخر کلمات سه گانه (اسم، فعل و حرف) از حیث معرب بودن یا مبنی بودن و چگونگی اعراب و ترکیب بعضی با بعض دیگر، شناخته می شود و از آنجا که یک کلمه حتی در یک حالت، استعداد پذیرش معانی مختلف را دارد، مثلاً اگر منصوب باشد احتمال دارد که مفعول یا تمیز یا حال باشد، و اگر مرفوع باشد، شاید فاعل یا نائب فاعل باشد و هر یک از این احتمالات در کیفیت معنا تأثیر می گذارد و در نتیجه در استنباط و اجتهاد مؤثر است، لذا فرا گرفتن علم نحو، جهت تحصیل اجتهاد ضروری است.

توقف استنباط از منابع کتاب و سنت که به زبان عربی نازل و صادر شده، بر آشنایی با قواعد نحوی در حدّی از وضوح است، که همه کسانی که از علوم پیش نیاز اجتهاد بحث کرده اند، به این مسأله نیز پرداخته اند. (انوارالاصول، همان، ج ۳، ص ۶۲۱؛ المحصول فی علم اصول الفقه، همان، ج ۲، ص ۴۳۳؛ المستصفی من علم الاصول، همان، ج ۲، ص ۳۵۱؛ مبادی الوصول الی علم الاصول، همان، ص ۲۴۳).

آشنایی با زبان و ادبیات عرب، به اندازه‌ای که فهمیدن ظاهری قرآن مجید و روایات معصومین (علیهم‌السلام) به آن نیاز دارد، برای مجتهد لازم است. زیرا چه بسا افرادی که در صدد استنباط احکام از قرآن و روایات بر می‌آیند اما به خاطر عدم آشنایی لازم با زبان و ادبیات عرب، و عدم آگاهی بر خصوصیات و ویژگی‌های آن، به اشتباه و خلاف واقع افتاده، و مطالب نادرستی را استنباط می‌نمایند (امام خمینی، روح‌الله، رساله اجتهاد و تقلید، ص ۹؛ سبحانی، علیرضا، رساله اجتهاد و تقلید، ص ۴۴)

ب- روش استفاده از علم نحو در استنباط حکم شرعی

ما در فهم متون دینی دو مرحله نیاز داریم مرحله اول فهم متن و مرحله دوم فهم مقصود اصلی گوینده که مرحله دوم با قرینه‌های مقامی و لفظی بدست می‌آید که همان مراد جدی متکلم می‌باشد و اما فهم مراد استعمالی یا همان فهم متن دو مرحله دارد مرحله فهم مفردات که در حیطه لغت و صرف می‌باشد و مرحله فهم ترکیبات که علم نحو در این مرحله تأثیر جدی دارد زیرا که در زبان عربی بر خلاف بقیه زبان‌ها نقش کلمه در جمله و به تبع فهم متن به وسیله اعراب است و آشنایی با قواعد علم نحو احتمالات اولیه را کنار گذاشته فهم متن را آسان تر می‌کند.

ج- علت عدم تحقق اجتهاد صحیح با آشنا نبودن به علم نحو

کسانی که در عربیت و ادبیات عرب خبر ویت ندارند از خدا بترسند و به استنباط احکام و فتوا دادن اقدام نکنند؛ زیرا بسیار پیش آمده که برخی از دانشمندان به خاطر همین عدم خبر ویت، برخی آیات و روایات را از معنی اصلیش تحریف کرده و گرفتار اشتباه‌های فراوانی شده‌اند که اینجا جای یادآوری آن موارد نیست و منظور از این تذکر فقط خیرخواهی بود. (نجفی، محمدرضا، وقایع‌الاذهان، ج ۲، ص ۷۴) لذا باید گفت: ای بسیار تاسف است که برخی از افراد به بهانه اینکه تا حدی اهل مطالعه و اطلاع هستند، و یا از روشنفکران جامعه به حساب می‌آیند به خود اجازه می‌دهند از قرآن و روایات مطالبی را استخراج کرده و به عنوان محتوای اسلام بیان کنند در حالی که خودشان می‌دانند بلکه اعتراف دارند که با زبان عرب و

ادبیات آن به اندازه‌ای که بتوانند از قرآن و روایات به طور مطمئن استفاده کنند آشنا نیستند، و بلکه در خواندن یک عبارت احیاناً دچار اشتباه می‌شوند.

د- تطبیقات فقهی در ما نحن فیه

د-۱) در روایتی داریم که زراره از امام باقر علیه السلام سوال می‌کند که چرا مسح سر به بعض سر است و حضرت او را ارجاع می‌دهند به معنای باء که یکی از معانی تبعیض است و در اینجا از علم نحو برای استفاده حکم شرعی بهره برده شده است

قَالَ زُرَّارَةُ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ أَلَا تُخْبِرُنِي مِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ وَقُلْتَ إِنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ وَبَعْضِ الرَّجْلَيْنِ فقال عليه السلام: «لمكان الباء» (شیخ صدوق ص ۱۰۳)

در مسأله مسح وضو که آیا مسح واجب است یا شستن پا، در ارتباط با آیه (فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ) بین امامیه و اکثر اهل سنت اختلاف نظر است که آیا «أَرْجُلَكُمْ» عطف بر «برءوسکم» است، یا به «أیدیکم»؟ طبعاً شناخت حق در مسأله، مبتنی بر شناخت دقیق قواعد نحوی است

د-۲) در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که حضرت برای عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر همه مردم استناد به یکی از معانی من که تبعیض است داشته اند

علي بن إبراهيم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْاجِبٌ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعاً فَقَالَ لَا فَقِيلَ لَهُ وَلِمَ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ وَالْذَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَوْلُهُ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (کلینی، ص

۵۹)

د-۳) فاضل مقداد در کتاب کنز العرفان از قواعد نحوی برای اثبات اینکه ماه رمضان فقط با دیدن حاصل می‌شود و قواعد نجومی اعتباری ندارد استفاده می‌کند

تأثیر علم نحو در استنباط حکم شرعی/ ۱۸۹

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» درباره هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند، بگو: آنها بیان اوقات (تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و تعیین وقت حج می‌باشند. معاذ بن جبل از رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سؤال نمود که هلال ماه چیست؟ در آغاز مثل ریسمانی باریک ظاهر می‌شود و بتدریج زیاد می‌شود تا به صورت «بدر» کامل درمی‌آید و سپس به تدریج کم می‌شود تا به صورت اول برمی‌گردد؟ آنگاه آیه مذکور نازل گردید.

«هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ»؛ «اینها بیان اوقات (طبیعی) برای مردم و حج است. یعنی مردم هر در زندگی روزانه از آن استفاده می‌کنند و هم عبادت‌های خود، مانند روزه و زکات که دارای وقت معینی است و مخصوصا حج که در قضا و ادای آن، زمان، اهمیّت دارد.

معرفه بودن مبتدا و خبر (هی؛ مبتدا، موقیت للناس، خبر) از دلایل روشن حصر است چون در علم نحو ثابت شده است که معرفه بودن مبتدا و خبر، دلالت بر حصر و انحصار دارد، یعنی: تعیین وقت فقط به وسیله ماه‌ها ممکن است و بدون آن به وسیله چیز دیگری حاصل نمی‌گردد. بنابراین نشانه و علامت ماه رمضان، دیدن ماه است و هرگز با محاسبات ستاره‌شناسان و از طریق قواعد نجومی ثابت نمی‌شود. (مقداد بن عبدالله سیوری، ص ۲۴۹)

نتیجه

- ۱- از علوم پیش نیاز اجتهاد، علم نحو است
- ۲- با تشخیص ارکان جمله به وسیله ی قواعد نحو و نیز قیود متعلق به آن، غرض از آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به صورت اراده استعمالی کشف می‌شود، که با کنار هم گذاشتن قرائن می‌توان به مراد جدی مولی پی برد.
- ۳- عدم خبرویت در علم نحو برابر با برداشت‌های ناصحیح و گرفتار شدن در وادی فتوی به غیر علم است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳ ق، من لا یحضره الفقیه، چهارم، قم
- ۳- شیرافکن، حسین. الهدایة فی النحو
- ۴- ابن عقیل، عبد الله بن عبد الرحمن. شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک
- ۵- ابن هشام الأنصاري المصري، أبو محمد عبد الله جمال الدين بن يوسف بن أحمد بن عبد الله. اوضح المسالك الي الفیه ابن مالک
- ۶- ابن هشام الأنصاري المصري، أبو محمد عبد الله جمال الدين بن يوسف بن أحمد بن عبد. مغني اللبيب عن كتب الاعاريب
- ۷- الأشموني، أبو الحسن نور الدين علي بن محمد بن عيسى بن يوسف. شرح الاشموني لالفیه ابن مالک
- ۸- حلی، مقداد بن عبد الله سیوری - مترجم: بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، کنز العرفان فی فقه القرآن - ترجمه، دو جلد، پاساژ قدس پلاک ۱۱۱، قم - ایران، اول، ه ق
- ۹- السيوطي، جلال الدين. البهجة المرضية على الفية ابن مالک
- ۱۰- الصبان الشافعي، محمد بن علی. حاشية الصبان على شرح الأشموني على ألفية ابن مالک و معه شرح الشواهد للعيني
- ۱۱- علامه حلی، حسن بن يوسف، مبایدي الوصول إلى علم الأصول - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق
- ۱۲- مکارم شیرازی، ناصر، انوار الأصول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۲۸ ق.
- ۱۳- یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵

تأثیر علم نحو در استنباط حکم شرعی/ ۱۹۱

۱۴- نادعلی، زهرا و شیبانی فر، محمدحسن، ۱۴۰۱، تأثیر علم نحو در استنباط احکام
فقهی، چهارمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و پژوهش های اسلامی، تهران،

<https://civilica.com/doc/۱۵۴۸۹۰۷-۱۵>